

یک از چهار!

نگاهی بر عملکرد مجلس دهم در طی یک سال گذشته

حتی یک جلسه تاکنون، تقسیم به دو فراکسیون شده و فراکسیون مستقلین و معتدلین که از فراکسیون اصولگرایان جدا شده‌اند هم هنوز جلسه‌ای برگزار نکرده‌اند و هنوز بدون اساسنامه و شورای مرکزی و هیأت‌رئیس، تنها در حد یک نام هستند. با این حال فراکسیون امید جلسات منظم خود را پی می‌گیرد که خود یکی از مزیت‌های این فراکسیون به ریاست آقای دکتر عارف است.

در این مجلس خبری از «بگم‌بگم‌ها» و اتهام‌زنی‌ها و فیلم‌هایی که هر روز به بهانه‌ای در صحن مجلس نهم نمایش داده می‌شد، نبود. با این وجود نمایندگانی هم بودند که مرزهای اخلاق را پشت سر گذاشته و سعی کردند مجلس را از مسیر سالم، منطقی و کارشناسی خارج کنند.

اگر در مجلس گذشته نمایندگانی نظیر دکتر پزشکیان و دکتر مطهری جزو معدود نمایندگان منتقد بودند، در مجلس فعلی فرد تازه نفسی به نام دکتر محمود صادقی ظهور یافته که در جریان حساب‌های قوه قضاییه نشان داد می‌توان روی جدیت و مطالبه‌گری این نماینده‌ی شجاع حساب باز کرد.

صادقی در نطقی در مجلس از مقامات خواست در خصوص شایعات موجود درباره‌ی واریز میلیاردها تومان از وجوه قوه قضاییه به حساب‌های شخصی رئیس این قوه توضیح بدهند و گزارشی از عملکرد حساب‌های مربوطه منتشر کنند. این نطق با واکنش رئیس قوه قضاییه و حکم جلب صادقی همراه بود در حالی که قانوناً نمایندگان از مصونیت قضایی برخوردارند. البته بعداً اعلام شد که این حکم جلب به دلیل شکایت دانشجویان بورسیه ای در واکنش به اظهار چهار ماه قبل محمود صادقی درباره غیرقانونی بودن بورسیه‌ها بوده است. و صد حیف که تعداد چنین نمایندگانی که منافع ملی و مردم را به منافع شخصی و جناحی ارجح می‌دانند در ادوار اخیر مجلس بسیار کم و انگشت شمار بوده‌است که البته یکی از مهمترین دلایل این موضوع ردصلاحیت گسترده‌ی نیروهای کارآمد و شناخته‌شده اما منتقد به دست شورای نگهبان است.

نخستین بزنگاه تعامل مجلس دهم با دولت یازدهم را می‌توان عبور سه وزیر پیشنهادی حسن روحانی از فیلتر مجلس دهم دانست که نشان از غلبه مشی تعامل‌گانه‌ی آن با دولت دارد. نگاه دقیق به محتوای جلسه‌ی رای اعتماد نشان می‌دهد تاکتیک منتقدان دولت در مجلس دهم کماکان ادامه استفاده از کلیدواژه فتنه استوار است، با این حال آن‌ها با وجود تلاش‌های فراوان برای جریان‌سازی علیه دولتی‌ها، اثرگذاری چندانی بر رویکرد تعاملی نمایندگان مجلس دهم نداشته‌اند. گواه این مدعا، اعتماد مجلسی‌ها به گزینه‌هایی است که پیش از این از مجلس نهم رای اعتماد نگرفته بودند.

اکنون می‌توان گفت معادلات افرادی که مجلس دهم را از بدو تشکیل، با غالب نمایندگان اصولگرا یا اصلاح‌طلب معرفی و وزن این پارلمان را نیز با سنگینی کفه اصولگرایی یا اصلاح‌طلبی توصیف می‌کردند، با اشتباهاتی همراه بوده است؛ زیرا با نتیجه‌ی جلسه‌ی رای اعتماد مشخص شد که در مجلس دهم بیش از آنکه عنصر فراکسیونی اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان تعیین‌کننده باشد، طیف مستقلانند که می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. به این ترتیب هر کدام از فراکسیون‌های امید یا ولایت به تنهایی نمی‌توانند اجماع به وجود آورند و در این میان باید به نقش سیال و مهم مستقلان این مجلس موسوم به فراکسیون مستقلان ولایی که می‌توان گفت حدود یک سوم کرسی‌های مجلس دهم را در اختیار دارند، توجه کرد.

نکته‌ای که در این میان قابل توجه و تامل است رویکرد آینده‌نگر به آرای مجلس دهمی‌ها است؛ عبور تقریباً آسان وزیران پیشنهادی روحانی از سد پارلمان، پیامی برای انتخابات آتی در بر دارد و آن اینکه، غالب مجلس دهم خواستار حفظ وضع موجود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده است •

انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی با مشارکت ۵۰ درصدی در تهران و ۶۲ درصدی در کل کشور برگزار شد و مجلس منتخب از خرداد ۱۳۹۵ رسماً آغاز به کار کرد. این مجلس چه در انتخابات و چه در ترکیب منتخبین آن تفاوت‌های محسوسی با دوره‌های قبل داشت.

هنگامی که گمانه‌زنی‌ها درباره انتخابات آغاز شد بسیاری بر این باور بودند که این دوره تغییرات اساسی نسبت به مجلس نهم خواهد داشت و عملکرد مجلس نهم که مجلسی با اکثریت قاطع اصولگرا بود مردم را به سوی تغییر سوق خواهد داد.

از تفاوت‌های این دوره از انتخابات با دوره‌های قبل که باعث شگفتی شد رد صلاحیت گسترده‌ی کاندیداها بود. در انتخابات حدود ۱۲۰۰۰ نفر نام نویسی کردند ۶۰ درصد آن‌ها توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند! در این بین پنجاه نفر از نمایندگان مجلس نهم و بسیاری از چهره‌های سرشناس که عمدتاً از جناح اصلاح‌طلبان بودند نیز حضور داشتند به گونه‌ای که در بسیاری از حوزه‌ها حتی یک کاندید اصلاح‌طلب باقی نماند. در نتیجه در لیست اصلاح‌طلبان چهره‌های ناآشنایی دیده می‌شد و همین موضوع عملکرد ایشان را غیر قابل پیش‌بینی کرده بود. این مسئله منجر به واکنش بسیاری از چهره‌ها شد. همان زمان رییس‌جمهور وقت آقای حسن روحانی گفتند: «باید مر قانون باشد نه مر سلیقه. اسم مجلس خانه‌ی ملت است نه خانه‌ی یک جناح. اگر یک جناح هست خب نیاز به انتخابات نیست همان‌ها دوباره تشریف ببرند مجلس. احراز واقعی از آن ملت ایران است، این ملت بزرگ است که پای صندوق می‌آیند و آنانی که بهتر و اصلاح هستند را بر می‌گزینند.»

اعلی‌رغم همه‌ی موانع انتخابات در تهران به برتری کامل لیست امید انجامید به طوری که نفر اول لیست اصولگرایان نفر سی و یکم منتخبین تهران شد. حماسه‌ی «تکرار» سید محمد خاتمی در این پیروزی نقش به‌سزایی داشت. در نهایت آرایش سیاسی نهایی مجلس دهم به این صورت رقم خورد: ۴۱ درصد اصلاح‌طلب، ۲۹ درصد اصولگرا، ۲۸ درصد مستقل و ۲ درصد اقلیت دینی.

از تفاوت‌های دیگر مجلس دهم با مجلس‌های پیشین انتخاب ۱۷ نماینده‌ی خانم در این مجلس است که از تمام دوره‌های پیشین بیشتر بوده است. خوش‌یختانه فراکسیون زنان مجلس تازه‌حال عملکرد قابل قبولی داشته است. تصویب قانونی در رابطه با عدالت جنسیتی، تصویب «لایحه‌ی کاهش ساعت کاری بانوان شاغل دارای شرایط خاص» و تصویب «طرح یک فوریتی اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی»، اقدام به تشکیل اتاق فکر حوزه‌ی زنان در مرکز پژوهش‌های مجلس و انتخاب ۴ نفر از زنان برای حضور در مجامع بین‌المللی از اقدامات این فراکسیون محسوب می‌شوند. ترکیب کمیسیون‌های مجلس به نوعی می‌تواند نفوذ و وزن جناح‌های مختلف در مجلس و هیئت‌رئیس را نشان دهد. از ۸۳ نفر کل اعضای هیأت‌رئیس، ۳۳ نفر از اعضای فراکسیون امید، ۱۲ نفر مستقل و ۳۸ نفر از جریان رقیب انتخاب شدند. کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس که اولین و اصلی‌ترین هدف اصلاح‌طلبان بود، به دست اصولگرایان افتاد تا زاهدی، از قافله سالاران استیضاح فرجی‌دانا، ریاست خود را بر این کمیسیون مانند مجلس نهم ادامه دهد. در کمیسیون فرهنگی هم اوضاع به شکلی مشابه پیش رفت. در کمیسیون اجتماعی و شوراهای نیز نهایتاً دو کرسی نایب‌رئیس‌ی به فراکسیون امید رسید.

نکته‌ی درخور توجه درباره‌ی کمیسیون آموزش، تأثیر این کمیسیون در یکی از حساس‌ترین نقاط چالش بین دولت و اصولگرایان است. رئیس این کمیسیون، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود و به این ترتیب زاهدی همچنان در این شورا یک حق رأی خواهد داشت. شورایی که نقشی تعیین‌کننده در اموری همچون تعیین رؤسای دانشگاه‌ها دارد.

از طرف دیگر فراکسیون اصولگرایان مجلس دهم، بدون برگزاری



دو هفته‌نامه‌ی حلاج (مذهبی-فرهنگی-اجتماعی-سیاسی)

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

مدیر مسئول: سید وحید موسوی

سر دبیر: مهسا محمدپور

هیئت تحریریه: آزاده ابراهیمی، زهرا بهرامی شاد،

محمد حدادی

سلام روزگار نو

آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود

عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

عاقبت. با صبر و پیگیری و پیگیری و پیگیری، پس از سه ماه تلاش مداوم برای اخذ مجوز، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی نیز به جرگه‌ی نشریات دانشجویی پیوست. گام اول را سخت اما استوار برداشتیم. در این میان دیدیم نشریاتی را که بی‌مجوز و بی‌دردسر و البته غیرقانونی مطالب خود را چاپ کردند و حال نیز بر خلاف قانون محرومیت یک ساله با نامی دیگر مجوز گرفته‌اند. اما شعله‌ی امید در سینه‌ی ما گرم‌تر از آن است که به این بی‌مهری‌ها سرد شود. ما گام اول در اصلاح امور را همین فراهم آمدن بستری مسالمت‌آمیز برای گفتگو، تضارب آراء و تحمل یکدیگر می‌بینیم و معتقدیم در چنین فضایی ست که رشد و تعالی دانشگاه و دانشجو رخ می‌دهد تا چنان بی‌قانونی‌هایی برچیده شوند. به همین جهت با تمام این اوصاف می‌گوییم «زنده باد مخالف من» و امیدواریم بر چنین فضاهایی افزوده شود، که دانشجو چشم بینای دانشگاه و صدای رسای آزادی‌خواهی و نگهبان پاک‌طینت عدالت و قانون‌مداریست. امیدواریم از این پس بتوانیم در این نشریه، انعکاس دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی، صنفی، مذهبی و سیاسی دانشجویان دانشکده‌ای باشیم که در طول تاریخ اثربخشی خود در زمینه‌های مختلف را ثابت کرده است. که ما رسالت دانشجو را در بهبود اوضاع خود و جامعه‌ی خود و بهترین راه رسیدن به آن را نیز نقد مشفقانه می‌دانیم که هیچ کس دلسوزتر از ما به خودمان نیست و نخواهد بود و با فعالیت‌های این‌چنینی، سعی خواهیم کرد که تمرین کنیم نقد منصفانه را، صبر و مدارا را، آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه را و برمی‌گزینیم حرکت را به جای سکون، آشتی را به جای تفرقه و قانون‌مداری را به جای قانون‌ستیزی. پشتوانه‌ی ما نیز همین دانشجویانی هستند که در مقاطع مختلف، قدرت خیرخواهی و اصلاح‌طلبی خویش را به منصفانه‌ی ظهور رسانده‌اند.

آرمان ما همین راهی‌ست که قدم در آن نهاده‌ایم، باشد که صدای حق در گام‌های ما طنین افکند به پیروی از آن شیر بیشه‌ی حقیقت‌جویی، آن صف‌شکن دلیر و شجاع راست‌گو، آن غرق‌شده‌ی دریای خروشان عشق و ایمان، حسین بن منصور حلاج •



حضرت زهرا دختر گرامی رسول خدا بنا بر روایتی بین ۷۵ تا ۹۵ روز پس از رحلت رسول اکرم دار فانی را ودای گفت اما این سه ماه برجسته ترین قسمت زندگی حضرت فاطمه در فعالیت اجتماعی و سیاسی ایشان بوده است. زندگی ۱۸ ساله حضرت زهرا پر از پستی و بلندی هایی هست که برای هر جست و جوگری پر از ابهامات و سوالات بی انتهایی ست. زندگی ۱۸ ساله ای که نمودار زنی ست که در طول زندگی خود اکثرا به فعالیت های خانه و تربیت فرزندان می پرداخته، اما در برهه ای به بزرگترین فعال اجتماعی و سیاسی در زمان خود تبدیل شده است.

درباره ی زندگی حضرت زهرا، به علت شرایط فرهنگی ۱۴۰۰ سال قبل عربستان، منابع و مواخذ اشارات کوتاه و مختصری دارند و عموماً به احادیث و روایات پیامبر اکرم و امیرالمومنین و روایات بسیار اندک برخی صحابه بسیار نزدیک اهل بیت پیامبر خلاصه می شود و از حیض سند نیز، احادیث اندکی وجود دارد که فرقی آن را روایت کرده باشند، با این حال روایات و احادیث معتبر از لحاظ سند و تواتر در دست هستند که رجوع به آنان حاوی قسمت های طلایی و برجسته زندگی حضرت زهرا هست. یکی از مهم ترین این اسناد، خطبه فدکیه حضرت فاطمه هست که فرقی آن را روایت کرده اند. قدیمی ترین سند این سخنرانی در کتاب بلاغات النساء آورده شده است. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح کتاب نهج البلاغه و نقیب بصری در کتاب خویش به این سخنرانی اشاره کرده اند و در کتب شیعه نیز این حدیث را موثق روایت کرده اند.

حضرت زهرا که تا قبل از رحلت پیامبر اکرم حضور کم رنگ اجتماعی داشته و عموماً در خانه به تربیت فرزندان می پرداخته است، بعد از رحلت پیامبر اکرم پرچمدار مبارزه با حاکمیت بعد از پیامبر قرار می گیرد و اوج آن در خطبه فدکیه است. در آن زمان که زنان کمتر به فعالیت های اجتماعی پرداخته و حتی امنیت کافی برای حضور آنان در اجتماعات یافت نمی شد، فاطمه (س) در مسجد پیامبر خطبه ای قرائت کرد که اگر حتی به مفاهیم آن توجه نکنیم، اصل این کار یک انقلاب در عرصه ی فعالیت های زنان به شمار می رفت. زنانی که تا قبل از ظهور اسلام به ارث می رسیدند و دخترانی که زنده به گور می شدند، حال یکی از زنان آن جامعه در جایگاه پیامبر در مسجد خطبه می خواند و خلیفه وقت را به چالش می کشد. میتوان گفت در آن شرایط فرهنگی این اقدام نه تنها یک مبارزه ی سیاسی علیه ظلم حاکمیت وقت بود بلکه اقدامی برای نشان دادن وظیفه ی زن مسلمان در هنگام نیاز اجتماع به حضور او بوده است.

در خطبه ی فدکیه، با آن که محوریت اصلی آن حق خواهی حضرت زهرا نسبت به غضب نامشروع فدک توسط حاکمیت وقت بوده است، علم و بصیرت دختر پیامبر نسبت به تحولات اجتماعی و احکام و معارف بالای قرآن در آن نمایان و برجسته است. خطبه ای که با بیان معارف توحیدی و نبوی و اشاره ای ظریف نسبت به علت عصمت پیامبر شروع می شود و در ادامه تمثیل هایی بسیار زیبا و توصیف هایی کامل و جامع جامعه ی حال حاضر مدینه را به تصویر می کشد از مهم ترین قله های این خطبه ی مهم سیاسی اجتماعی است که نه تنها حاکمیت وقت را به چالش کشیده بلکه موجب روشن شدن بیشتر توانایی، علم و بصیرت خاندان پیامبر می شود. جواب های قاطع قرآنی حضرت زهرا به ادعاهای خلیفه وقت، نشان از تسلط ایشان به ظاهر و باطن قرآن کریم دارد که با روشی هوشمندانه احادیث مجهول روایت شده از خلیفه وقت را مخالف نص صریح قرآن دانسته و آن ها را از لحاظ اعتبار مجهول می داند.

درست است که با وجود روشننگری های حضرت زهرا نسبت به حق فدک و حق خلافت بعد از پیامبر اکرم، هیچ کدام از این موارد به علت در دست داشتن زر و زور و تزویر در دست حاکمیت برآمده از کودتای سقیفه به صاحبان اصلیشان باز نگشت اما این مقطع حساس و برجسته، الگویی کامل برای جامعه و به ویژه زنان مسلمان شد که وظیفه خود را در تنگناهای اجتماعی و مقاطع حساس تاریخی بدانند و زهراگونه نماد شجاعت و بصیرت شوند.



تو خونه م جنگ تحمیلی...

این روز ها با نگاهی هر چند سریع و اجمالی به کانال های خبری تلگرام و سایت های خبرگزاری مختلف، اخباری ناخوشایند از وضعیت گرد و غبار در خوزستان و سیل جهرم، به چشم می آید.

استان خوزستان که در کرانه ی خلیج فارس قرار دارد، مرکز تولید نفت و گاز ایران به شمار میرود و جمعیتی معادل ۴ میلیون و ۵۳۱ هزار و ۷۲۰ نفر دارد و پنجمین استان پرجمعیت ایران محسوب می شود. در سفرنامه ی این بطوطه، جهانگرد مراکشی می خوانیم: «سر انجام به شهر (شوشتر) تستر رسیدم که در قلمرو اتابک و سر حد بین دشت و کوهستان است. شهری بزرگ، زیبا، خرم و دارای پالیزهای نیکو و باغهای عالی است این شهر محاسن زیاد و بازارهای معتبر دارد و از شهرهای قدیمی است. در دو طرف رودخانه باغ قرار دارد و محاذی دروازه دسبول مانند بغداد و حله جبری از کشتیهای کوچک درست کرده اند، میوه در تستر فراوان است، خیرات و برکات این شهر بسیار و بازارهای آن در خوبی بی مانند می باشد.» این استان که در طول ۸ سال جنگ ایران و عراق مرتب مورد حملات ارتش عراق قرار گرفت، دچار صدمات فراوان به سرمایه های طبیعی و انسانی گردید اما با رشادت مردم صبور و دلیرش از تمامیت ارضی خود دفاع کرد. اما مدتی است که خوزستان حال خوبی ندارد، گرد و غبار خوزستان و آثار نامطلوب آن بر زندگی روزمره ی مردمانش، چند سالی است که به معضلی اساسی در این استان تبدیل شده و از نظر زیست محیطی تاثیر زیادی بر زندگی ساکنین این استان داشته است. خبری را میخواندم مربوط به سال ۸۸، که مصاحبه ای با یکی از باغبانان شهرستان شوش بود که میگفت به زنبورداری مشغول است و در طول مدت گرد و غبار هوا، تعداد زنبور ها و میزان تولید عسلش کاهش پیدا کرده است و هنگام گرد و غبار وقتی زنبور ها رهاسازی می شدند به دلیل گم کردن مسیر ناپدید می شدند. از نیمه ی دوم دهه ی ۸۰، مجموعاً ۵۶۴ روز پدیده ی گرد و غبار در این استان وجود داشته است. ذرات معلق موجود در استان خوزستان، با توجه به اندازه ای که دارند آسیب بیشتری به بدن می رسانند، هر چه حجم این ذرات کوچک تر باشد (کوچک تر از ۲ میکروگرم) وارد حبابچه های ریوی می شوند و از طریق گردش خون به بخش های مختلف بدن می روند و با توجه به وجود املاح شیمیایی در این مواد، بیماری های متفاوتی را به وجود می آورند. رییس جمهور نیز در تاریخ ۵ اسفند ۹۵ به اهواز سفر کرد و هدف سفر خود را برنامه ریزی برای کاهش ریزگرد ها عنوان کرد، همچنین بیان کرد که: معاون اول رئیس جمهور، دو روز پیش گزارش پایان اتفاقات رخ داده را به من داد و من لازم دیدم که به خوزستان سفر کنم. یکی از برنامه های امروز این سفر تشکیل جلسه ویژه بررسی ریزگردهای خوزستان است. همچنین من می توانم براساس گزارش های وزیر نیرو به مردم اهواز بگویم که دیگر شاهد قطعی آب نخواهند بود و برای حل مشکل قطعی برق نیز در حال تلاش هستیم. بارها و بارها در رابطه با مشکلات عدیده ی خوزستان در محافل و سمینارهای مختلف سخن گفته شده است، اما اینکه چه مقدار از وعده های وعده دهنده گان عملی شده است، خود جای سوال دارد، و از طرفی آیا ما باید فقط منتظر و نظاره گر باشیم تا دیگران وظایفشان را انجام دهند؟! آیا نمیتوان راهکاری پیدا کرد که در کنار تلاش های دیگر افراد، به بهبود زندگی ساکنین خوزستان کمک کرد؟! آیا باید بگذاریم تا به وضعیت بحرانی برسیم و بعد دست به کار شویم؟! آیا وظیفه ی ما نیست که از نمایندگان خود در مجلس سوال کنیم و درخواست رسیدگی کنیم؟! حال نیم نگاهی میندازیم به واقعه ای در ۲۹ بهمن ۹۵ در آب بند خاکی محمد آباد جهرم: سد خاکی جهرم که به منظور تامین آب کشاورزی آن منطقه ساخته شده بود، بر اثر بارش های گسترده، شکسته شد. این سد زمانی ساخته شده بود که این منطقه جزء مناطق کم بارش محسوب می شد و این سد تاسیس شد تا علاوه بر تقویت منابع آب زیرزمینی، آب مورد نیاز اراضی کشاورزی را نیز تامین کند. گفتگوی دکتر یوسفی، عضو هیأت علمی گروه «مدیریت پروژه و ساخت» دانشکده معماری دانشگاه تهران را در یک خبرگزاری می خواندم که گفته بودند مزیت این سد، جمع آوری و مهار سیلاب بود. همچنین در جایی اشاره کرده بودند که با توجه به تغییرات الگوی آب و هوایی، میزان بارش ها بهبود داشته و در بهمن و اسفند روند افزایشی داشته است و ما برای مدیریت ریسک سدها، باید مراقب این نوع پدیده ها باشیم و با تاکید بر اهمیت پیش بینی ها در مدیریت ریسک سدها، خاطرنشان کردند: در سدهای برق-آبی که مخازن بسیار بزرگی دارند، این پیش بینی ها اهمیت دو چندان دارند؛ چراکه در این سدها ریسک بالاتر است، ولی متأسفانه به دلایل متعدد این پیش بینی ها انجام نمی شود و خسارات زیادی به بار می رود. یعنی تا به امروز برای پیشگیری و جلوگیری از این گونه حوادث کاری در حوزه ی عملی انجام نشده است، و هنوز ستادی برای مدیریت ریسک و بحران تشکیل نشده است !!!



نگاهی به حواشی سی و پنجمین جشنواره ی فیلم فجر

جشنواره ی فیلم فجر که تنها یکی دو سال از انقلاب اسلامی جوان تر است، سالهاست که بدل به بزرگترین رویداد فرهنگی-هنری کشور شده است. رویدادی سینمایی که البته مشابه وجه تسمیه اش که برآمده از انقلاب اسلامی است، مشابهی در دنیا ندارد و یگانه است. دو گونه رویداد سینمایی در سطح جهان برگزار می شود؛ یک دسته را «جشنواره Festival» می نامند که فیلم ها برای اولین بار در آن به نمایش درمی آیند مثل کن و لوکارنو و قس علیهذا و در این گونه جشنواره ها، جوایز معدودی صرفاً به بهترین فیلم و بازیگر و ... داده می شود که به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد. دسته ی دیگر را «جشن اهدای جوایز Awards» می نامند که اساساً برای جایزه دادن به فیلم های اکران شده در سال گذشته است و جوایز متعددی از جنبه های گوناگون به فیلم ها و رشته های مختلف اهدا می گردد. گونه ی سومی هم جشنواره ی فجر ماست که نه در تعریف استاندارد فستیوال می گنجد و نه در تعریف Awards. سینماگران و سینمایی های ایران، به این گونه از برگزاری جشنواره عادت کرده اند و اعتراضی جدی به این سبک برگزاری نکرده اند اما هر ساله، به نتایج منطقی برگزاری جشنواره بدین سبک اعتراض می کنند. سالی نیست که اعتراضات در مورد داوری رخ ندهد و عده ای معترض نشوند و بی برنامه گی در اکران فیلم ها رخ ندهد و بعضی از فیلم ها به ابتدای جشنواره نرسند و کم و زیاد نشوند. همگان به این قضایا اعتراض می کنند اما هیچ کس به ریشه ی این اتفاقات که سبک منحصر بفرد برگزاری جشنواره است اعتراضی ندارد. بالاخره باید بپذیریم که ده روز جشنواره برای داوری این همه فیلم توسط هفت نفر در این همه رشته کافی نیست و حتی ممکن هم نیست و این جور کارها باید در طول یک سال دیده شدن فیلم ها صورت پذیرد و از دیگر سو هم باید راهکاری اندیشید که در معتبرترین جشنواره های دنیا هم این همه فیلم اکران نمی شود. ۳۳ فیلم در ۱۰ روز، رکوردی که قطعاً و یقیناً در دستان جشنواره ی فجر است. داستان این مدیر و آن دولت هم نیست؛ تا جشنواره ی فجر بوده، این مشکلات به دلیل ساختار جشنواره وجود داشته و با ادامه ی روند وجود خواهد داشت.

اما جشنواره ی امسال به واسطه ی ورود مستقیم رسانه ی ملی به دعوها، بیشتر محل مناقشه قرار گرفت. بهروز افخمی در برنامه ی هفت، اگر به انتقاد از فیلم ها و داوری که در بسیاری از موارد وارد هم بود، بسنده می کرد، راه خطا نرفته بود اما افخمی این مرزها را هم در نوردید و وارد بحثی فراسینمایی و سیاسی شد و اتهاماتی امنیتی را متوجه هیئت داوران و مدیریت سینمای ایران از جمله حجت الله ایوبی کرد. وی پیش بینی کرد که سیمرغ به ماجرای نیمروز خواهد رسید چرا که پنج تن از اعضای هیئت داوران در خارج از کشور اقامت دارند و از ترس منافقین این کار را نخواهند کرد. البته بعد از اعلام کاندیداتوری ماجرای نیمروز در ۹ رشته و دریافت ۳ سیمرغ بهترین فیلم، بهترین فیلم از نگاه ملی و بهترین فیلم از دیدگاه تماشاگران، باز هم افخمی عقب نشینی نکرد و همچنان بر موضع خود مصر ماند. او این ادعاهای خود را تعمیم داد و به سایر بخش های داوری هم کشاند و این گونه بحث جشنواره ی فجر را از مساله ای هنری-فرهنگی به مساله ای سیاسی-امنیتی تبدیل کرد.

شاید بد نباشد که مطلب را با این جملاتی که سعید قطبی زاده به افخمی در روز آخر برنامه ی هفت در جشنواره گوشزد کرد تمام کنم که «سینما و فیلم دیدن ها اگر باعث این نشود که آدم های بهتری شویم، به هیچ دردی نمی خورد.»